

● حسین استاد ولی

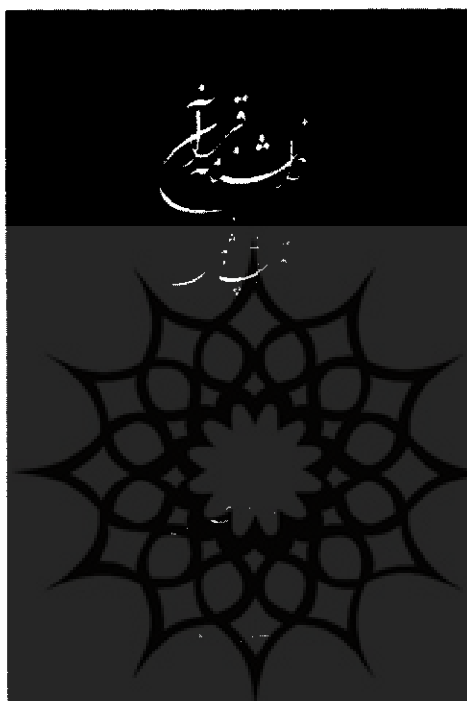
نگارنده هر دو جلد این اثر
گرانبها [دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی]
را توریق کرد و تا آنجا که
فرصت دست داد نگاهی خریدارانه به
آن افکند و بسی سود برد،
و در کنار مزایای فوق که در جای
خودستودنی است و باید به
گردآورنده و پدیدآورندگان
آن دست مریزاد گفت، ایرادها و
اشکالاتی یافت که تذکر
آنها خالی از فایده نیست و
می توان در چاپهای آینده
به خواست خداوند بر طرف نمود.



قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان، آن گونه که خود را معرفی می کند، جامع معارف و اصول دانستیها و بایستیهای است که در مسیر هدایت بشر و تامین سعادت دنیا و آخرت او قرار دارد، و پیشرفته ترین کتابی است که در این زمینه به جهان بشریت عرضه شده است و با کمال شجاعت و صراحت دعوت می کند که اگر کسی مانند آن را سراغ نارد عرضه نماید، نه تنها مانده هم آن را که ده سوره یا یک سوره مانند آن را؛ و از روز ظهور آن تا به حال هیچ کس به مبارزه با آن برخاسته که رسوایی را با خود همراه نبرده باشد؛ و پیوسته بر ضدحامیان آن به جای برهان قاطع منطقی، تیغ برنده آهنین به کار رفته است. امروز نیز با همه پیشرفتهای بشر در علوم گوناگون، هنوز قرآن کریم قافله سالار هدایت اوست و بشریت چاره ای جز چهره ساییدن به درگاه آن ندارد. از این رو مسلمانان باید با کمال سربلندی در زیر این پرچم افراشته الهی قرار گیرند و با علم و عمل، آرمانهای مقدس آن را تحقق بخشند و کمبودها و عقب ماندگی های خویش را در عدم شناخت و پابندی به احکام آن بنانند نه در پابندی به آن، چنانکه برخی از نو اندیشان امروز زمزمه می کنند.

هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست

ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست



دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (۱ و ۲)
به کوشش بهاءالدین خرمشاهی
انتشارات دوستان - ناهید
تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگاهی به

«دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی»

اصولا دایره المعارف یا دانشنامه باید در ارائه اطلاعات از دقت نظر و وسواس لازم برخوردار باشد و هر اندازه که به کمیت آن توجه می شود چندین برابر به کیفیت آن اهمیت داده شود، حجم مقالات در هر زمینه متناسب با اهمیت آن تنظیم گردد، هر نگارنده‌ای در زمینه تخصص خود قلم بزند، در نگارش مقاله بیشتر از مدارک قدیمی تر و دست اول استفاده شود مستقیما باشد یا با واسطه، در موارد اختلافی اقوال گونگون دقیقاً ذکر شود و از مدارک صاحبان همان قول استخراج شود و اصول کلی دیگری که در دانشنامه نویسی شرط لازم است.

از دیر باز در زمینه این امانت گران الهی و در قلمرو مسائل گوناگون آن کتابهایی ارزشمند به رشته تحریر درآمده که در همین روزها شاهد یکی از آن آثار هستیم، آری دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی که گلزاری است رنگارنگ و بوستانی است خوش که چند گامی در آن به تفرج می‌پوییم.

این دانشنامه پر حجم اما خواندنی و چشم‌نواز، سرشار از اطلاعات سودمند در زمینه مسائل قرآنی است. انصاف را که اطلاعاتی فراوان و گسترده در زمینه دانش‌سپهرهای قرآنی در اختیار خواننده می‌گذارد که نه تنها مبتدیان را بسی سودمند است که متوسطان و منتهیان را نیز در بسیاری موارد به کار می‌آید و زحمت‌تبع و جست‌وجوی جانفرسا و وقت‌گیر را از دوش آنان برمی‌دارد. در این کتاب به آثاری در زمینه علوم قرآنی، تفسیر، ترجمه، موضوعات، معارف، فقه و سایر مسائل قرآنی برمی‌خوریم که اگر کسی شخصا بخواهد در طلب آنها برآید کمتر به چنان توفیقی دست می‌یابد. با کتابها، شخصیتها و نهادهایی آشنا می‌شویم که جست‌وجوی آنها از لابلای معاجم و مجلات و کتابخانه‌ها و کنج‌خلوتها به آسانی ممکن نیست، و از آن رو که خوشبختانه نویسندگان بسیاری در پدید آوردن آن همکاری داشته‌اند اطلاعات گسترده‌تری به ارمغان آورده است. به راستی جای دائره‌المعارفی قرآنی به این سبک خالی بود که با کوشش دانشمند گرمی جناب آقای خرمشاهی این جای خالی تا حد قابل ملاحظه‌ای پر شده است هر چند که قرآن کریم دریایی است ژرف که به عمق نتوان رسید و آب آن را به پیمانۀ توان کشید.

نگارنده هر دو جلد این اثر گرانبها را تورق کرد و تا آنجا که فرصت دست داد نگاهی خریدارانه به آن افکند و بسی سود برد، و در کنار مزایای فوق که در جای خود ستودنی است و باید به گردآورنده و پدیدآورندگان آن دست مریزاد گفت، ایرادها و اشکالاتی یافت که تذکر آنها خالی از فایده نیست و می‌توان در چاپهای آینده به‌خواست خداوند برطرف نمود. اکنون این موارد در چند بخش تقدیم می‌گردد:

ایرادها و اشکالها

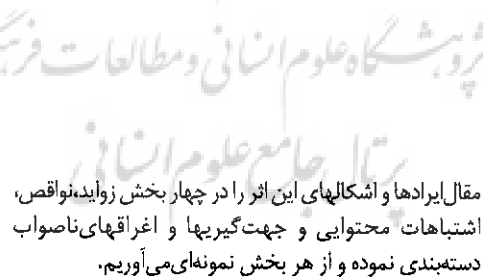
این کتاب علیرغم مزایای گوناگون گذشته، به‌موجب «هر که بامش بیش برفش بیشتر» دارای اشکالات فراوانی است که اکثر آنها در چنین مجموعه‌ای قابل اغماض نیست. اصولا دایره‌المعارف یا دانشنامه باید در ارائه اطلاعات از دقت نظر و وسواس لازم برخوردار باشد و هر اندازه که به کمیت آن توجه می‌شود چندین برابر به کیفیت آن اهمیت داده شود، حجم مقالات در هر زمینه متناسب با اهمیت آن تنظیم گردد، هر نگارنده‌ای در زمینه تخصص خود قلم بزند، در نگارش مقاله بیشتر از مدارک قدیمی‌تر و دست اول استفاده شود مستقیما باشد یا با واسطه، در موارد اختلافی اقوال گوناگون دقیقاً ذکر شود و از مدارک صاحبان همان قول استخراج شود و اصول کلی دیگری که در دانشنامه نویسی شرط لازم است. ما در این

مثلا اگر معرفی مرحوم جلال‌الدین آل احمد به‌صرف اینکه در طرحی برای انتخاب و ویرایش و بازبینی یک ترجمه کهن با مرحوم حسین خدیو جم‌شرکت داشته و تنها قسمتی از سوره مبارکه بقره انجام شده و سپس کار تعطیل گشته و اثری از این انتخاب و ویرایش در دست نیست، به عنوان قرآن پژوه روا باشد، بسیار کسانی هستند که یادداشتهایی از خواننده‌ها و شنیده‌های خود در زمینه قرآن کریم یا محفوظاتی در این زمینه دارند که باید گفت همه قرآن پژوهند!

ب) اعلام قرآنی غیر صریح: در این کتاب تنی چند از کسانی که نامشان در شان نزول آیه یا آیاتی آمده معرفی شده‌اند. معلوم نیست که هدف چه بوده؟ اگر منظور نویسنده، اعلام قرآنی است که نام هیچ‌یک از آنان در متن قرآن نیامده، و اگر صرف ربط است می‌بایست همه کسانی که در شان نزولها نامبرده شده‌اند اعم از مؤمن و کافر و منافق معرفی شوند و خصوصیتی برای اشخاصی چون حبی بن اخطب و ابولبابه و... نیست.

ج) فرقه‌ها: از زواید عناوین، یکی آن که: برخی فرقه‌ها به صرف اینکه بر اساس برداشت از یک آیه قرآنی تشکیل شده‌اند در این کتاب معرفی شده‌اند. معرفی فرقه ملامتیه ۶ ستون از این دانشنامه را اشغال کرده به صرف اینکه آنان بر اساس برداشتی (درست یا نادرست) از آیه ۵۴ سوره مائده به وجود آمده‌اند! باید گفت کدام فرقه مذهبی در اسلام هست که برای توجیه خود به آیات تمسک نجوید؟ بنابراین باید حداقل ترجمه کتاب «ملل و نحل» شهرستانی در این دانشنامه قرآنی آورده می‌شود!

د) حجم زندگینامه‌ها: در این بخش واقعا جای بسی تعجب است که چگونه عنان قلم به دست خوداشخاصی داده شده که برخی از آن بزرگواران در معرفی خود، حوادث و خاطرات ریز و درشت زندگی خویش از دوران تولد تا سنین کمال و کهولت را حتی مقدار حقوق، داراییها، تعدد همسران و فرزندان، پستهای دولتی و ملی و... را رقم زنند یا گلايه‌های خود را از این مؤسسه و آن وزارتخانه که چرا مثلا فلان جایزه را به ناشر دادند و به ایشان ندادند مطرح کنند؟ و شگفت‌تر آنکه اینها هیچ ویرایش نشود و گردآورنده به خود زحمت یا اجازت‌نهد که کمترین تصرفی در آنها کند! یک نگاه به شرح حال آقایانی چون دکتر پیمان، دکتر آذرتاش، استاد کمالی دزفولی، حجه الاسلام معادینخواه، حجه الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی در این زمینه کافی است. اینان باید پرسید چرا یکدستی و همسانی در معرفی افراد به چشم نمی‌خورد؟ آیا نباید دانست چرا کتابهای روان‌شاد مرحوم مهندس بازرگان باید از ریز و درشت معرفی شود ولی در معرفی آثار گرانسنگ مرحوم استاد شهید مطهری به چهار پنج اثر مشهور ایشان اشاره گردد بآنکه آثار ایشان از ۵۰ متجاوز است؟! آیا جای سؤال نیست که چرا به معرفی علامه طباطبائی (ره) دو ستون، به معرفی استاد مطهری یک ستون اختصاص داده می‌شود اما به معرفی آقایان نامبرده در بالا به ترتیب ۱۴، ۱۱، ۱۶، ۲۱ و ۱۹ ستون؟!



۱. زواید

الف) اعلام و شخصیت‌های قرآن پژوه: عیب بزرگ این بخش آن است که ضابطه‌ای نه برای معرفی اشخاص به عنوان قرآن پژوه نهاده‌ش شده و نه برای حجم معرفی آنان، و میان افرادی که متخصص در قرآن پژوهی هستند با کسانی که کمترین ارتباطی با قرآن کریم داشته‌اند جمع شده است. و اگر بنا بر این باشد همه مسلمان قرآن پژوهند و باید در این ردیف قرار گیرند. آن گاه نه دو جلد که صدها جلد نیز کفاف نمی‌دهد و آنجاست که باید خوانند. و **لوان ما فی الارض من شجره اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ماتت کلمات الله. (لقمان) ۲۷**

در این کتاب تنی چند از کسانی که نامشان در شأن نزول آیه یا آیاتی آمده معرفی شده‌اند. معلوم نیست که هدف چه بوده؟ اگر منظور نویسنده، اعلام قرآنی است که نام هیچ یک از آنان در متن قرآن نیامده، و اگر صرف ربط است می‌بایست همه کسانی که در شأن نزول‌ها نامبرده شده‌اند اعم از مؤمن و کافر و منافق معرفی شوند و خصوصیتی برای اشخاصی چون حیی بن اخطب و ابولبابه و... نیست.

امامت، قرآن و عترت یا قرآن و اهل بیت نیامده (گرچه کتابشناسی قرآن و اهل بیت علیهم السلام آمده ولی عناوین مذکور می‌بایست مستقلاً ذکر می‌شد).

۳. اشتباهات محتوایی

این که در آغاز مقال عرض شد باید هر عنوانی توسط متخصص همان فن نوشته شود از آن روست که غلط فاحشی رخ نهد و اطلاع نابخوبی داده نشود. در اینجا به طور اختصار به چند مورد از این اشتباهات اشاره می‌شود:

۱. (ص ۸۶) آیه حجاب آیه ۳۱ سوره نور دانسته شده، در صورتی که آن آیه ستر است و آیه حجاب آیه ۵۳ سوره نور است (و اذا سألتموهن متاعا فاسألوهن من وراء حجاب) که مربوط به زنان پیامبر (ص) است که مردان اجنبی اگر خواستند متاعی از آنان بگیرند باید از پشت پرده باشد و رو در روی آنان قرار نگیرند. (مسأله حجاب، استاد مطهری، ص ۸۱)

۲. (ص ۱۹۶) المتوکل کتابی است از عبدالرحمن سیوطی در زمینه کلمات دخیل در قرآن. شگفت این است که نویسنده تاریخ وفات سیوطی را ۹۱۱ ق ذکر کرده آن گاه می‌گوید: «مؤلف این کتاب را به درخواست متوکل خلیفه عباسی تألیف نموده و آن را نیز به نام او نامیده است». در صورتی که متوکل عباسی مربوط به قرن سوم هجری است! این گفتار یادآور آن است که برخی کتاب کامل بهائی را که در قرن ششم هجری به رشته تحریر درآمده مربوط به مرحوم شیخ بهائی در قرن دهم و یازدهم هجری می‌دانند!

در اینجا نویسنده باید متذکر می‌شد که منظور وی متوکل از خلفای عباسی مصر است، آن هم کدام یک از آنان، زیرا سه متوکل از این سلسله در سالهای ۸۸۴، ۹۲۳ و ۹۲۴ به خلافت رسیده‌اند (که مسلماً سومی نمی‌تواند باشد زیرا سیوطی متوفای ۹۱۱ خلافت او را درک نکرده است). تذکر این نکته از این رو ضروری می‌نماید که متوکل عباسی عندالاطلاق به خلیفه عباسی بغدادی گفته می‌شود.

۳. (ص ۱۱۱۵) رفیع الدرجات به دو معنی دانسته شده (۱) رفیع به معنای اسم فاعل یعنی رافع (بالا برنده جایگاهها).

(۲) رفیع به معنای اسم مفعول یعنی مرفوع (بلند پایگاه) در صورتی که اولاً رفیع به معنای مرفوع ترجمه‌اش «بلند پایگاه» نمی‌شود. ثانیاً اگر به معنای اسم مفعول باشد مانند «جریح» به معنای «مجرورح» می‌بایست خلوند بالا برنده درجاتی برای خود داشته باشد و این معنایی نیست که هیچ مسلمانی بدان اعتقاد ورزد. بلکه رفیع یا به معنای اسم فاعل از رفیع به صیغه متعدی است و یا به معنای اسم فاعل از رفیع به صیغه لازم است که همان «بلند پایگاه» معنی می‌دهد و در واقع وصف متعلق است و در اصل «رفیع درجات» بوده است.

۴. (ص ۱۹۳۳) لعان در اصطلاح فقهی عبارت از آن دانسته شده که شوهری به همسر خود نسبت زنا دهد. حال آنکه چنین نسبتی قذف یا رمی نامیده می‌شود و لعان پس از

گاه تکرار مکرر دیده می‌شود مثلاً مجله وزین پژوهشهای قرآنی یک بار در عنوان پژوهشهای قرآنی و دیگر بار در فصلنامه پژوهشهای قرآنی آمده، یاداستان افک یک بار ذیل آیه افک و بار دیگر ذیل افک آورده شده، یا داستان مباحله یک بار ذیل آیه مباحله و بار دیگر ذیل مباحله آورده شده، که در این موارد باید ارجاع داده می‌شد و مطالب آنها در هم ادغام می‌گردید.

حال آن بزرگوار به آن اشاره می‌گردد. از میان قرآن پژوهان برخی خودشان معرفی می‌شوند ولی آثارشان در جای خود معرفی نمی‌شود (مانند آقای قریشی و کتاب قاموس قرآن) یا اثر معرفی می‌شود ولی خودشان در ذیل نامشان معرفی نمی‌شوند (مانند دکتر مجید معارف). در معرفی ترجمه‌ها، ترجمه‌های در دست انجام معرفی می‌شود (که در جای خود قابل تقدیر است) اما ترجمه چاپ شده‌ای مانند ترجمه زیرنویس حاج شیخ رضا سراج (انتشارات اسلامی) و ترجمه آقای احمد کاویان پور (انتشارات اقبال) از قلم می‌افتد. یا واژه قلب سلیم توضیح داده می‌شود ولی به کتاب قلب سلیم شهید آیه‌الله دستغیب شیرازی اشاره نمی‌شود حال آنکه موضوعش قرآنی است.

(ب) موضوعات: نگارنده پی نبرد که ذکر موضوعات قرآنی که در این کتاب آمده بر چه اساسی است و چگونه برخی از واژه‌های قرآنی گلچین شده‌اند، مثلاً «اب» (پدر) آمده ولی «اب» (علف) نیامده، «رحم» آمده اما «رحم» و جمع آن «ارحام» نیامده و...

عناوین آیه‌هایی که برخی نامشهورند مثل آیه توارث بالایمان، آیه جزاء فحشاء آمده اما آیه تخیر در مورد زنان پیامبر (ص)، آیه [نفی] حرج (ما جعل علیکم فی الدین من حرج) آیه تکلیف (لا یكلف الله نفساً الا وسعها) نیامده است. برخی عناوین بی‌تناسب مثل کذب الدلال آمده اما عنوان

ایراد نگارنده هرگز متوجه آقایانی که زندگی خود را به تفصیل نگاشته‌اند نیست، بلکه به عکس، این گونه زندگی‌نامه‌های خودنوشت از نظر تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، رجالشناسی و... آثار مثبتی دارد، بلکه گلابه‌اش از گردآورنده است که آیا جای این طول و تفصیل و قلمفرسایی در دانشنامه قرآنی است یا کتابهای ویژه تراجم و رجال؟

ه) کتابها: دیگر از زواید این دانشنامه نام بردن از برخی از کتابهایی است که درباره قرآن و قرآن پژوهی است بلکه گهگاه به مناسبتی آیه‌ای در آن رقم خورده است مانند کشکول شیخ بهائی (ره)، یا آیات فراوانی در آن به کار رفته اما موضوع آن تفسیر و توضیح آیات نیست مانند کتاب دعائم الاسلام که موضوع آن فقه است آن هم بر اساس حدیث، ولی در آغاز یا لابلا ابواب به آیاتی استشهاد شده است. اما باید دید کدام کتاب فقهی استدلالی یا نیمه استدلالی است که در آن به آیات قرآنی استشهاد نشده باشد، آیا باید نام همه آنها در دانشنامه قرآنی بیاید؟ اگر باید بیاید چرا نیامده، اگر نه پس چرا برخی آمده است؟! و انگهی چه فرقی است میان کتابهای فقهی، کلامی، عرفانی یا کتابهای ادبی؟ مگر کتاب المعنی اللیبیب یا علوم العربیه در نحو مشحون از آیات قرآنی نیستند؟ پس چرا نامی از آنها برده نشده، و اگر برده می‌شد آیا روا بود؟ بگذریم از اصطلاحات فراوان ادبی و بلاغی که مذکور افتاده، که اگر چه بسیار سودمند و ارزنده است و انصافاً در تهیه آنها حمت زیاد هم به کار رفته، ولی جایش در این کتاب نیست، و اگر هست جای بسیار مباحثی دیگر از همین علم در این کتاب خالی است.

گاه تکرار مکرر دیده می‌شود مثلاً مجله وزین پژوهشهای قرآنی یکبار در عنوان پژوهشهای قرآنی و دیگر بار در فصلنامه پژوهشهای قرآنی آمده، یاداستان افک یکبار ذیل آیه افک و بار دیگر ذیل افک آورده شده، یا داستان مباحله یک بار ذیل آیه مباحله و بار دیگر ذیل مباحله آورده شده، که در این موارد باید ارجاع داده می‌شد و مطالب آنها در هم ادغام می‌گردید.

۲. نواقص

الف) شخصیت‌ها و کتابها: علی‌رغم ذکر پاره‌ای اشخاص که ربط چندانی با قرآن پژوهی نداشته‌اند، نام بسیاری از کسانی که در این رابطه بودند نیامده است. مثلاً از قدما کتاب الکافی شیخ کلینی یا کتاب الوافی فیض کاشانی (ره) که یک بخش اعظم آن کتاب القرآن است، و از معاصرین تفسیر شیعیه و تفسیر نویسندگان آن مکتب از دکتر رجبعلی مظلومی، درباره شناخت قرآن از حجه الاسلام محمد علی گرامی در آثار قرآن پژوهی معرفی نشده است. یا دفتر نشر فرهنگ اسلامی به عنوان ناشر آثار قرآنی معرفی می‌شود ولی دارالکتب الاسلامیه (آخوندی) که آثار قرآنی چندی دارد و یک قلم آن فقط ۲۷ جلد تفسیر بسیار سودمند نمونه است معرفی نمی‌شود. یا کتابچه‌ها و جزوه‌های بسیار نامبرده می‌شود ولی کتاب قاموس قرآن آقای قریشی در جای خود معرفی نمی‌گردد و در شرح

علی رغم ذکر پاره‌ای اشخاص که ربط چندانی با قرآن پژوهی نداشته‌اند، نام بسیاری از کسانی که در این رابطه بودند نیامده است. مثلاً از قدما کتاب الکافی شیخ کلینی یا کتاب الوافی فیض کاشانی (ره) که یک بخش اعظم آن کتاب القرآن است، و از معاصرین تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب، از دکتر رجبعلی مظلومی، درباره شناخت قرآن از حجه الاسلام محمد علی گرامی در آثار قرآن پژوهی معرفی نشده است.



برخی عناوین بی تناسب مثل کذب الدلال آمده اما عنوان امامت، قرآن و عترت یا قرآن و اهل بیت نیامده (گرچه کتابشناسی قرآن و اهل بیت علیهم السلام آمده، ولی عناوین مذکور می‌بایست مستقلاً ذکر می‌شد).

«حسن الشعر اکذبه» نیست که یک شخصی که در مقام مفسر قرآن نشسته در حالی که آن گونه که از مباحث تفسیری ایشان و نقدهای استاد سبحانی برمی‌آید از برخی قواعد نحوی و بلاغی و لغوی آگاهی نداشته، شناخت درست از مکی و مدنی بودن آیات نداشته، تاریخ عرب جاهلی و صدر اسلام را به خوبی نمی‌داند، به روایات به ویژه روایات شیعی خوشبین نبوده، تفسیر را بیشتر بر مبنای «حسینا کتاب الله» می‌نهد، نوعی تمعد در نفی شأن نزول برخی آیات درباره خاندان وحی داشته، به عصمت پیامبران حتی در دوران نبوتشان اعتقاد نداشته، در مسأله شفاعت و توسل اشکال می‌تراشیده و... و اساساً نوعی روحیه حنبلی‌گری و سلفی‌گری بر او حاکم بوده؛ با دانشمندی از تبار خاندان وحی مقایسه شود که خود عربی صمیم و خالص بوده و مباحث ادبی او ملاک و مقیاس و حجت دیگران قرار داشته، در علم کلام بی نظیر یا کم نظیر بوده و موشکافی‌های او در مباحث

مسأله کذب یا رمی است که برای اثبات مدعای بدون شاهد از سوی شوهر، و رد حد زنا از زن توسط شوهر و زن انجام می‌گیرد که تفصیل آن در خود مقاله آمده است.

۵ (ص ۱۰۲۶) دایه الارض. اولاً در ترجمه آیه «...» که مردم به آیات ما یقین نداشتند» اشتباهی رخ داده، زیرا ان الناس كانوا باياتنا لا يوقنون مقول تکلمهم نیست و الایمی‌بایست به کسر همزه ان خوانده می‌شد، بلکه ان به فتح است و لام غایت در تقدیر است (لان الناس...). ثانیاً انطباق دایه الارض را با ویژگی‌هایی که در چند سطر بر شمرده است (عربی حرف می‌زند، عصای موسی و خاتم سلیمان با اوست، با آن خاتم بر پیشانی مؤمن و کافر علامت می‌نهد) با بعضی از ائمه اظهار علیهم السلام به ویژه علی (ع) غریب می‌داند ولی تطبیق آن را طبق برخی روایات با حیوانی عظیم‌الجثه که طولش ۶۰ گز است و از کوه صفا بیرون می‌آید و مردم را یاری دستگیر کردن آن یا گریز از وی نیست و عربی حرف می‌زند و... غریب نمی‌داند!

۶ (ص ۲۳۳۰) هاروت و ماروت: درباره این دو فرشته بزرگوار و معصوم الهی که طبق صریح آیه شریفه ۱۰۲ از سوره بقره برای نجات مردم از بلای خانمانسوز سحر و جادو آمده بودند و مردم را به حق تعلیم می‌دادند تا با سحرهای موجود مقابله کنند، و آنان را از خطرات جادوگری سخت پرهیز می‌دادند ولی مردم از آن تعالیم سوء استفاده نموده و آن را در عکس مقصود اصلی به کار بردند، داستان خرافی و افسانه جعلی اسرائیلی را آورده که حتی ذکر آن خالی از کنورت دل نیست.

۷ (ص ۲۱۵۶) ملک یمین «کنیز» دانسته شده در حالی که مشترک میان غلام و کنیز (برندگان اعم از زن و مرد) است و آیاتی که در قرآن کریم ذکر شده برخی مربوط به کنیزان، برخی مربوط به غلامان و برخی مربوط به هر دو گروه است.

۸ (ص ۱۹۲۳) مؤلف مقاله با آنکه متوجه بوده سینه هم به معنای گناه شرعی است و هم آفت طبیعی، ولی در ستون دوم همین صفحه در ذیل عنوان تبدیل گناه، سینه به معنای آفت‌های طبیعی و ناخوشایندی‌ها را به معنای گناه شرعی گرفته است و الا در ذیل این عنوان به آیه مذکور استشهاد نمی‌کرد.

۴. جهت گیرها و اغراق‌های ناصواب

در ذیل برخی عناوین اغراق‌هایی به چشم می‌خورد که خواننده آگاه در اصل تعریف‌ها و تمجیدهای دیگر نویسنده نیز به تردید می‌افتد. از باب نمونه چند مورد یاد می‌شود:

۱ (ص ۶۵۸) ذیل عنوان تفسیر آیات مشکله نوشته شادروان حاج یوسف شعار می‌نویسد: مفسر روش و سلیقه عقلی - علمی خاصی در تفسیر قرآن دارد که یادآور قرآن‌شناسان بزرگی چون سید مرتضی علم‌الهدی یا زمخشری است، همین امر باعث شده که عده‌ای از اهل فضل و صاحب نظران با آراء یا روش تفسیری او مخالف باشند... (سپس اشاره به نقد استاد جعفر سبحانی می‌نماید). راستی آیا این اغراق و مصداق



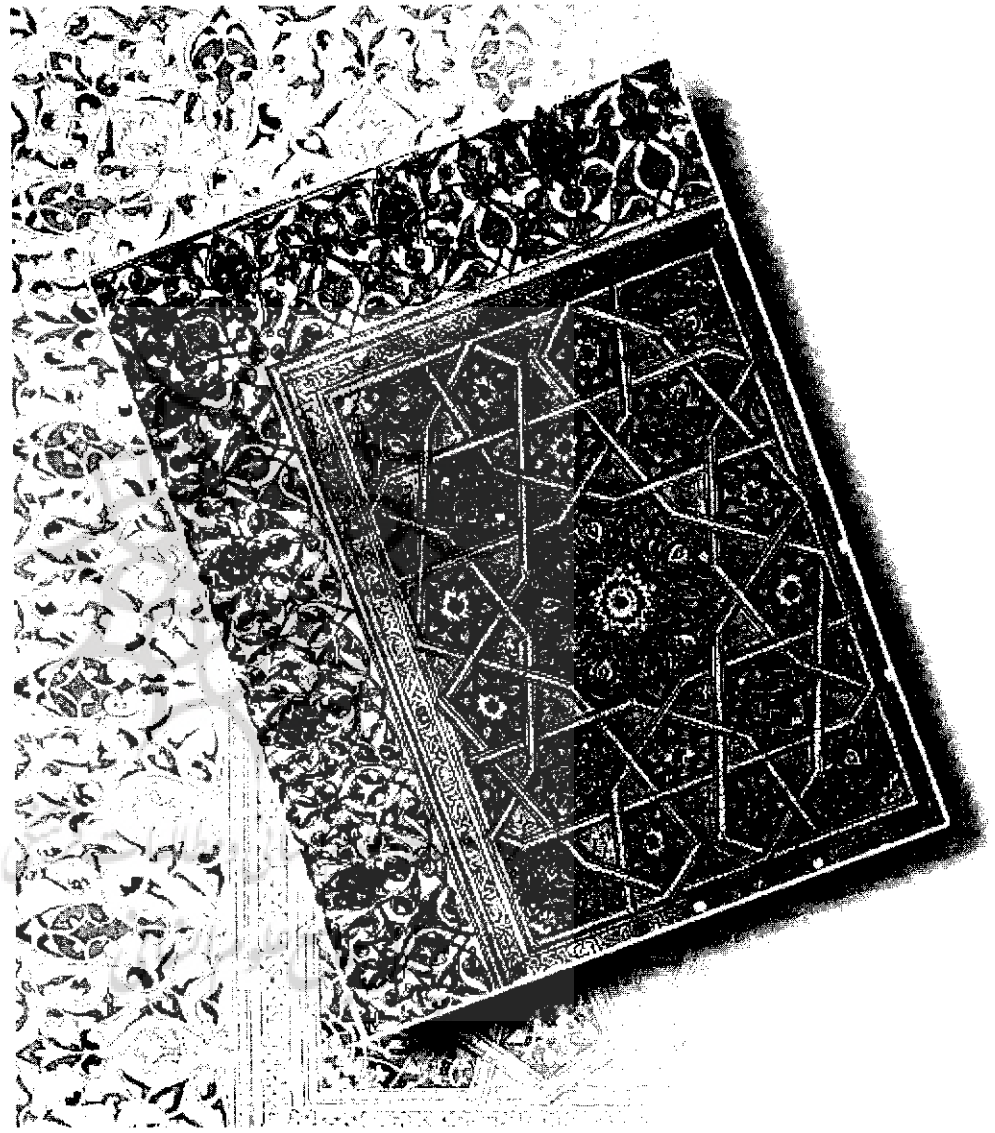
به نظر می‌رسد طرح کنونی در این دانشنامه که عناوین بر اساس حروف هجا دسته‌بندی می‌شوند امتیازی دارد که هر کس در جست‌وجوی عنوانی خاص باشد به آسانی به آن دست می‌یابد. اما اگر فهرستی موضوعی بر آن تهیه شود، سود بیشتری خواهد داشت. زیرا در صورت کنونی اگر کسی بخواهد مثلاً زندگینامه همه قرآن‌پژوهان را از نظر بگذراند یا بخواهد مباحث ادبی یا اعلام تاریخی قرآن کریم و امثال آن را یکجا ببیند، باید تمام دو جلد کتاب را صفحه به صفحه ورق بزند و دقت نماید، که شاید این کار میسر نباشد.

علامه حلی نوشته است.

علامه امینی (ره) در الغدیر ۱/۲۴۷ در پاورقی گوید: «ابن تیمیه همان کسی که پیوسته بر انکار ضروریات اصرار می‌دارد و بر مسلمانان می‌تازد و در ناسزاگویی به مسلمانان و حکم به کفر و گمراهی آنان جرات می‌ورزد و به همین رو از روز بروز عقاید دروغ و خرافی او تا به امروز از سوی علمای بزرگ اهل سنت هدف جرح قرار گرفته‌است. و تنها سخن شوکانی در البدرالطالع ۲/۲۶۰ کافی است که گوید: «محمد بخاری حنفی متوفای ۸۴۱ تصریح به بدعتگذاری سپس به کفر او نموده و در مجلس خود آشکارا می‌گفته: هر که به ابن تیمیه شیخ الاسلام بگوید کافر است!»
* * *

در اینجا تذکر دو نکته ضروری است: (۱) نگارنده معتقد نیست که دانشنامه قرآنی معرکه آراء فرقه‌های اسلامی است و باید در آن گرایش‌های گوناگون مذهبی مطرح شود. هرگز چنین منظوری ندارد. بلکه منظور آن است که اگر کار دانشنامه اطلاع‌رسانی است چرا اطلاعات درست داده نمی‌شود؟ چرا مطالب نیمه‌کاره بیان می‌شود و گاه هم چشم‌پوشی می‌گردد؟ چرا گفته نمی‌شود ابن تیمیه با همه جرات و غیرت (!) دشمن سرسخت شیعه و وحدت اسلامی است! چرا وقتی به تفسیر آیات مشکله عنوان داده می‌شود به نقدی بر تفسیر آیات مشکله عنوان داده نمی‌شود و تنها به بازکردن پراکنش کوتاه در ذیل عنوان کتاب مذکور بسنده می‌گردد؟!

(۲) یکی از ویژگی‌های مثبت این دانشنامه آن است که از نویسندگان برادران اهل سنت نیز استفاده نموده و بر غنای آن افزوده است. البته هرگز از برادران اهل سنت این انتظار نمی‌رود که در نگارش مقاله‌های خود گرایش شیعی داشته باشند، بلکه آنان باید سخن خود را بگویند، ولی گردآورنده مسئول است در پایان هر مقال به هر گونه که مناسب فرهنگ‌نویسی است تذکر دهد که این مقاله مطابق با چه گرایشی و بر اساس چه مذهبی است تا خواننده گرامی با آگاهی بیشتر برخورد کند. در هر مقال هر کسی باید حرف خودش را بزند تا تحمیلی صورت نگرفته باشد، اما گردآورنده باید در جای جای کتاب تذکر فوق را بدهد و تنها به مقدمه کتاب بسنده نکند. فی‌المثل مقاله شیعه و قرآن، و علی بن ابی طالب (ع) و قرآن به قلم ایشان خوب و پاکیزه است (مگر یکی دو جا که قابل اغماض است). اما در تمجید شخصیت‌ها، دچار احساسات است تا واقعیت، و به همین دلیل کمتر میان غث و سمین جدایی می‌افکند. اینجاست که مقایسه‌های تابجا صورت می‌گیرد و القاب نادرست داده می‌شود و دوست و دشمن و منصف و متعصب و خدوم و جسور درهم می‌آمیزند....



گیرد که به قول یکی از فاضلان که درس تفسیر ایشان را دیده **عالمهم** در سوره دهر را علیهم می‌خوانده است! در ادامه سخن دفاع از زمشخری را به عهده خود آقایان وامی‌گذارم.

(۲) در (ص ۱۱۸) ابن تیمیه. دانشمندی جامع‌الاطراف معرفی می‌شود و یکی از ویژگی‌های او غیرت بسیار در دفاع از حریم اسلام و جامعه اسلامی شمرده می‌شود! حال آنکه اهل فن می‌دانند که ابن تیمیه حنبلی در شناخت اسلام و تفسیر آیات قرآن موضعی خصمانه علیه شیعه داشته و کتاب منهج‌السنه النبویه خود را فی نقض کلام الشیعه و القدریه و رد منهج‌الکرامه

تفسیری و ذکر وجوه گوناگون در تفسیر یک جمله هر دانشمند محقق را به حیرت وا می‌دارد؟! راستی را که چه نسبتی است میان تفسیر آیات مشکله و میان غرر الفوائد (امالی) سیدمرتضی؟!

آری این اغراق‌گویی، جدای از شرح حال ۵ ستونی از ایشان و تعاریف نابه‌جایی است که برادرزاده مفسر مذکور از وی نموده که ایشان را مجتهد در فن تفسیر و استاد مسلم این فن معرفی نموده است و باز هم در ص ۱۹۷۸ به بعد در ۴ ستون از او تمجید گردیده! آری این تمجیدها باید از سوی کسی صورت

برگ اشتراک ماهنامه دین

مجموعه ماهنامه‌های

کتاب ماه

۶ چند نکته

۱) در این دانشنامه ذیل برخی عناوین، مطالب نیمه کاره بیان شده و به اصطلاح تک‌نگریهایی به آیات قرآن کریم شده بدون آنکه مجموع آیات قرآنی در مورد یک مسأله مورد تحقیق قرار گیرد، از این رو گرایشهایی تفریطی روی نموده که بحث درباره آنها به مقالات مفصلی نیازمند است. از جمله تساهل (ص ۶۱۵)، دین راستین در نزد خداوند و حقانیت داشتن همه ادیان! معنای عدم اکراه در دین، دعوت به دین اسلام و عدم تفکیک میان اسلام عام و اسلام خاص (ص ۱۰۷۱) که بازار این مباحث امروزه بسیار داغ است و با طرح نقد آن در اینجا حق مطلب ادا نمی‌شود.

۲) به نظر می‌رسد طرح کنونی در این دانشنامه که عناوین بر اساس حروف هجا دسته‌بندی می‌شوند امتیازی دارد که هر کس در جستجوی عنوانی خاص باشد به آسانی به آن دست می‌یابد. اما اگر فهرستی موضوعی بر آن تهیه شود، سود بیشتری خواهد داشت. زیرا در صورت کنونی اگر کسی بخواهد مثلاً زندگینامه همه قرآن‌پژوهان را از نظر بگذارد یا بخواهد مباحث ادبی یا اعلام تاریخی قرآن کریم و امثال آن را یکجایی کند، باید تمام دو جلد کتاب را صفحه به صفحه ورق‌بزند و دقت نمایند که شاید این کار میسر نباشد.

۳) گلیه‌ای است از گردآورنده کتاب جناب خرمشاهی، و آن اینکه ایشان بیشتر مقالاتشان را به مناسبت‌های گوناگون از این کتاب به آن کتاب وارد می‌کنند که یک شهروند عزیز باید بارها هزینه این کار را متحمل شود. بدون اغراق، اغلب بلکه قریب به اتفاق مقالات مذکور ایشان در این دانشنامه مطالبی است که در تألیفات سابقشان به ویژه قرآن‌پژوهی، قرآن‌شناخت و توضیحات پایانی ترجمه ایشان آمده، علاوه‌آنکه خود این کتابها نیز هر یک و جوه مشترک در مقالات با کتاب دیگر دارد، یعنی تکرار در تکرار است.

۴) نکته پایانی آنکه: نویسنده این مقاله هرگز در صدد تخطئه دیگران نیست و از سر تنافس و رقابت، قلم نزده و به خواست خداوند نخواهد زد، بلکه می‌کوشد تا آینه‌ای پیش روی برادران دینی خود باشد تا هر حسن و عیبی هست صادقانه نمایش دهد. همچنین دریغ می‌خورد در حق برادر دانشمندی که سعی در مباحث و مسائل قرآنی را به صحنه بیاورد و عالم و عامی و عالی و دانی را همدم این کتاب الهی سازد، اما در اثر برخی مسامحات (با واسطه یا بی‌واسطه) گرفتار نقل مطالبی شود که به حقیقت و حقیقیان لطمه وارد می‌آورد. خداوند متعال، همه خدمتگزاران به قرآن کریم را بیش از پیش توفیق دهد.

والسلام

مشخصات مشترک:

نام/شرکت/مؤسسه.....
شماره شناسنامه. شماره ثبت.....
میزان تحصیلات.....
نشانی و شماره پستی.....
تلفن و دورنگار.....

مدت اشتراک: ۱ سال (۱۲ شماره)

هزینه اشتراک:

۱- داخل کشور:

تهران ۲۱۰۰۰ ریال شهرستانها: ۲۳۰۰۰ ریال

۲- خارج از کشور:

الف: خاورمیانه - کشورهای همسایه
ب: اروپا - آمریکای شمالی
ج: اقیانوسیه - خاور دور - آمریکای جنوبی

با هزینه پستی ۶۰۰۰۰ ریال

با هزینه پستی ۶۵۰۰۰ ریال

با هزینه پستی ۷۰۰۰۰ ریال

لطفا مبلغ اشتراک را برای داخل کشور به حساب شماره ۱۸۵۲۰۸۶۹ بانک تجارت ۱۸۵ شعبه انقلاب فلسطین به نام خانه کتاب واریز نموده و اصل سند بانک و برگ اشتراک را به نشانی تهران صندوق پستی ۳۱۳-۱۳۱۴۵ ارسال نمایید.

توضیحات:

۱- ارسال نشریه پس از دریافت سند بانک و برگ اشتراک، از آخرین شماره منتشر شده، آغاز خواهد شد.

۲- در صورت تمایل به دریافت شماره‌های قبلی و اطلاعات لازم با تلفن ۶۴۶۵۶۲۵ واحد اشتراک تماس بگیرید.

(لطفا در این قسمت چیزی ننویسید)

شماره اشتراک
تاریخ دریافت درخواست
شماره شروع اشتراک
شماره پایان اشتراک